

# رویکرد سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حسین باقری<sup>۱</sup>

حسن مرادی<sup>۲</sup>

علی اوسط نظاملو<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۱

## چکیده

ترکیه در حالی که خود با بحران قدیمی کردهای این کشور که مدت‌ها آن‌ها را ترک‌های کوهستان می‌نامید دست‌به‌گریبان بود و این موضوع هنوز در رأس بحران‌های آنکارا قرار داشت؛ به یکباره با تغییر رویکرد نسبت به کردها، اقدام به برقراری روابط گسترده با منطقه اقلیم کردستان عراق نمود. برقراری روابط سیاسی و استفاده از رهبران کرد اقلیم در راستای اهداف منطقه‌ای ترکیه در قبال کشورهای همسایه، نشان از این داشت که این تغییر رویکرد ترکیه در قبال کردها، اهدافی فراتر از محیط امنیتی اقلیم را دنبال می‌کند. بر این اساس تحقیق حاضر با عنوان رویکرد سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و مبتنی بر این فرضیه بوده است که فعالیت‌های گسترده ترکیه در اقلیم کردستان عراق، زمینه بروز تهدیداتی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده، به روش توصیفی-تحلیلی تهیه و چارچوب زمانی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی در اقلیم کردستان عراق را در بر می‌گیرد. تحقیق با مورد توجه قرار دادن اهداف و دستاوردهای رویکرد سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان به این نتیجه رسیده است که؛ رویکرد و حضور ترکیه در این منطقه، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در بعد سیاسی با تهدید مواجه نموده که در همین راستا نیز پیشنهادهای ارائه گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** رویکرد ترکیه، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، اقلیم کردستان عراق

۱- استاد یار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

۲ دانشجوی دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی

۳- کارشناسی ارشد رشته اطلاعات استراتژیک

## ۱- بخش اول: کلیات

### ۱-۱- بیان مسئله

مجموعه‌ی امنیتی پیرامونی، مجموعه‌ای متشکل از چند بازیگر امنیتی‌ساز همسایه است که در این مجموعه یک یا چند عامل خارجی امنیتی در میان چند بازیگر امنیتی‌ساز همسایه و دارای مرزهای جغرافیایی مشترک، ایجاد پیوستگی کرده‌اند. عوامل خارجی امنیتی در مجموعه امنیتی پیرامونی، به‌طور عمده در داخل کشورهای عضو هستند که میان اعضا به‌صورت یک مسئله یا معضل مشترک شکل گرفته یا اعضاء در فرایند امنیتی یا غیرامنیتی ساختن آن نقش دارند، مانند محیط امنیتی پیرامونی بین ایران، ترکیه، عراق و سوریه بر سر کردها. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸: ۹۰) برخی اندیشمندان، دلایلی برای بیان اهمیت شناخت محیط امنیتی بیان نموده‌اند. ازجمله‌ی این دلایل می‌توان به شناسایی بازیگران اصلی و حاشیه‌ای و نیات آن‌ها بر اساس اهداف و آرمان‌های مورد تعقیب، توانایی‌ها و امکانات بازیگران و تهدیدات موجود در محیط که سبب بروز تعارض در منافع و اهداف بازیگران و بروز زمینه‌های رویارویی و بحران‌خیزی می‌گردد، اشاره نمود. (کرمی و علیزاده، ۱۳۹۱: ۷۵)

در این راستا کردهای عراق که پس از تشکیل حکومت فدرال کردستان، به‌عنوان مرکزی که می‌توانست به‌عنوان یک عامل خارجی امنیتی تأثیرات فراوانی بر کردهای پیرامون خود در جهت تشکیل کشور کردستان بزرگ داشته باشد، مورد توجه دو کشور ایران و ترکیه به‌عنوان دو بازیگر اصلی و رقیب دیرین منطقه‌ای واقع شد و تا امروز دو کشور هر یک به طریقی سعی در تبدیل این تهدید به فرصت و در راستای منافع ملی خود داشته‌اند که در این بین سیاست‌های دوپهلوی و مرموز آنکارا در نفوذ در اقلیم کردستان و همسوسازی سیاست‌های دولت‌مردان کرد در راستای سیاست‌های خود به حساسیت موضوع افزوده است. چراکه ترکیه درحالی به یک‌باره اقدام به تغییر رویکرد در قبال اقلیم کردستان عراق نمود که کماکان با بحران قدیمی کردهای ساکن این کشور که مدت‌ها آنان را ترک‌های کوهستان می‌نامید دست‌به‌گریبان بوده و این موضوع در رأس بحران‌ها آنکارا قرار داشت و اتخاذ سیاست گرایش به اقلیم کردستان در کنار وجود این بحران نمونه‌ای از سیاست‌های مبهم دولت ترکیه در قبال اقلیم کردستان و کشورهای همسایه بود که در دهه اخیر بارها شاهد آن از سوی حزب عدالت و توسعه<sup>۱</sup> بوده‌ایم.

<sup>۱</sup> - Adalat va Kalkinma Partisi

بنابراین، نگاه ویژه این کشور به شمال عراق به عنوان دروازه‌ی ورود به جهان عرب، قابل توجه و نیازمند بررسی عمیق است چراکه جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری که در منطقه خواهان ایفای نقش مؤثر و محوری است، در مواجهه با این مسئله نیاز دارد اهداف و ابزاری را که ترکیه برای رسیدن به اهداف خود به کار می‌برد، به طور دقیق شناسایی نموده، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن‌ها را مورد بررسی قرار داده تا در صورت نیاز توان تأثیرگذاری خود را افزایش دهد. بنابراین تحقیق حاضر سعی دارد تأثیرات این حضور را در محدوده زمانی سالهای ۲۰۱۳-۲۰۰۳ میلادی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار داده و به این سؤال پاسخ گوید که حضور ترکیه در منطقه کردستان عراق چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

## ۲-۱- اهمیت و ضرورت موضوع

### ۱-۲-۱- اهمیت موضوع

چرخش و تغییر در مواضع سیاسی پس از تغییر دولت‌ها در ابعاد داخلی و خارجی، در هر کشوری امری معمول در روابط بین‌الملل بوده و کشوری مانند ترکیه نیز از این امر مستثنی نیست؛ اما آنچه موجب دقت نظر و حساسیت ویژه است، چرخش در مواضع سیاسی حزب به‌ظاهر اسلام‌گرای عدالت و توسعه<sup>۱</sup> است که پس از حدود یک دهه (۲۰۱۰-۲۰۰۲ میلادی) سیاست متوازن‌سازی روابط در سیاست خارجی ترکیه، به یک‌باره این روابط با آغاز بحران سوریه (۲۰۱۱ میلادی) مبدل به خصومت با این کشور و افول روابط با دو کشور همسایه دیگرش یعنی عراق و جمهوری اسلامی ایران گردید و رهبران این حزب، برخلاف دوره نخست کوشیدند سیاست منطقه‌ای خود را نه بر مبنای تقویت ثبات دولت‌های همسایه و دیپلماسی تنش صفر با همسایگان، بلکه از راه تغییر دولت در سوریه و گسترش نفوذ خود در عراق و نادیده گرفتن منافع ژئوپلتیک دیگر قدرت‌های منطقه‌ای پیش ببرند و این در حالی بود که علی‌رغم تنش دولت آنکارا و دولت‌های همسایه بر سر بحران سوریه، ما بهبود روزافزون روابط بین حکومت اقلیم کردستان و ترکیه را شاهد می‌باشیم که همین امر اهمیت توجه بیشتر به این موضوع را ایجاب می‌کند.

### ۱-۲-۲- ضرورت انجام تحقیق:

تحولات سال‌های اخیر در عراق بر وزن ژئوپلتیکی کردها تأثیرگذار بوده و علاوه بر دستیابی کردها به خودمختاری به نحو چشمگیری موجب مشارکت مؤثر آن‌ها در قدرت سیاسی عراق بوده

<sup>۱</sup> - JDP (justice and development party)

است. در حال حاضر، کردها برخلاف گذشته که بیشتر به عنوان یک نیروی چالشگر قدرت مرکزی در عراق معروف بودند، خود به عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب می شوند. ائتلاف و همکاری کردها با هر یک از دو گروه شیعیان یا سنی ها به منظور کسب سهم بیشتر چه در مجلس ملی و چه در حکومت مرکزی عراق که می تواند نقش بسیار مهمی در میزان نفوذ جمهوری اسلامی ایران یا ترکیه در عراق داشته باشد نیازمند توجه و دقت نظر همراه با حساسیت بیشتر از سوی ایران است.

بنابراین ضرورت شناخت موانع و مزیت های جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان به منظور تعمیق فعالیت ها و شناخت تاکتیک های ترکیه در اقدامات خود در این منطقه ایجاب می کند که جمهوری اسلامی ایران اقدام به مطالعات و برنامه ریزی های گسترده در ابعاد مختلف به منظور افزایش نفوذ و قدرت تأثیرگذاری خود در این منطقه نموده و بیش از این فرصت های پیش رو را از دست ندهد.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

موضوع منطقه اقلیم کردستان عراق و قدرت گرفتن کردها پس از تقریباً یک سده مبارزه، خود بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه سیاستمداران و محققان واقع شده و این نبوده مگر به این علت که، منطقه اقلیم کردستان می تواند به عنوان بازیگری جدید، منشأ تحولات و تأثیرات زیادی به عنوان مرکز برای پیرامون خود باشد؛

حق پناه در رساله دکترای خود رقابت دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در شمال عراق را تا حدود زیادی تابع متغیر روابط آنکارا، واشنگتن و تل آویو دانسته است که هرگاه این روابط شدید بوده و جلوه ضد ایرانی داشته رقابت بین ایران و ترکیه در شمال عراق افزایش یافته و هرگاه ترکیه از آن دو فاصله گرفته است، همکاری بین ایران و ترکیه جایگزین رقابت گردیده است. (حق پناه، ۱۳۸۷)

سیامک کاکایی، سیاست های ترکیه را این گونه بیان نموده است که ترکیه ناگزیر از گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با اقلیم کردستان عراق است؛ زیرا اقلیم دروازه ورود ترکیه به عراق بوده و ترکیه پیوندهای دیرینه ای با عراق دارد. ترکیه در پوشش نگرانی های امنیتی خود از کردستان عراق، اهداف دیگری را نیز دنبال می کند که بی تأثیر از چشم داشت های تاریخی به این مناطق نیست.

(کاکایی، ۱۳۸۷)

حمیدرضا محمدی با بیان پاره‌ای از ظرفیت‌ها و امکانات تأثیرگذاری کردستان عراق بر پیرامون، گفته است: خودگردانی این منطقه از نظر فرهنگی - سیاسی پتانسیل تقویت هویت و فرهنگ کردها و افزایش مطالبات از دولت‌های مرکزی را دارد. در این میان، کردستان ترکیه بیشترین تأثیر را از خودگردانی شمال عراق پذیرفته و در جمهوری اسلامی ایران نیز با توسعه اقتصادی مناطق کردنشین به علت تجانس بالای کردها با فرهنگ و تمدن ایرانی، این تأثیرات قابل مدیریت است. (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹)

رابرت السن در کتاب "مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه" اشتراکات مذهبی را مورد توجه قرار داده و گفته است: کردها و مناطقی که در آن می‌زیستند همواره مایه‌ی اختلاف شدید بین دو امپراطوری عثمانی و صفوی بوده و البته در این رقابت یکی از عوامل تعیین‌کننده در تاریخ کرد این بود که غالباً بخش بزرگ‌تر جانب امپراطوری عثمانی را می‌گرفت. این امر که ناشی از اشتراکات مذهبی کردها با امپراطوری عثمانی بود حاکی از نقش قاطع آنان در تاریخ عثمانی مخصوصاً در پیوند با صفویه و رقابت دو امپراطوری در احراز نقش برتر در مناقشه شیعه و سنی دارد. (السن، ۱۳۸۰)

زیباکلام به موضوع حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان به دلایل، اهداف و نیز ریشه‌های تاریخی این حضور پرداخته و بیان داشته است: کردها به علت ژئوپلیتیک شکننده و استقرار روی گسل‌های تمدنی عرب، فارس و ترک و بی‌اعتمادی به این سه حوزه؛ همگرایی به این رژیم را در راستای ارتقاء اقتصادی و فنی خود و فرصتی برای گسترش حاکمیت کردی، تأمین منافع نظامی، کسب منافع اقتصادی و سیاسی قلمداد کردند. برای رژیم صهیونیستی نیز، کردها سپر و ضربه‌گیری عمده علیه اعراب و جهان اسلام خواهند بود. (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰)

نقدی نژاد در کتاب "روابط ایران و ترکیه؛ حوزه‌های همکاری و رقابت" ضمن پرداختن به زمینه‌ها و دلایل رقابت و همکاری‌های بین دو کشور، یکی از این زمینه‌ها را نیز مسئله کردهای شمال عراق دانسته و این‌گونه به این موضوع پرداخته است که مسئله کردهای شمال عراق و منافع اقتصادی ترکیه در این منطقه از مهم‌ترین انگیزه‌های ترکیه در رابطه با این منطقه است. (نقدی نژاد، ۱۳۸۸)

قربانی شیخ‌نشین به حضور آمریکا در کردستان عراق پرداخته و بیان داشته است: سیاست خارجی و استراتژی ایالات متحده آمریکا در کردستان عراق همواره یکی از دغدغه‌های کشورهای پیرامونی عراق، از جمله ایران، ترکیه و سوریه بوده است. حضور سرویس‌های اطلاعاتی - امنیتی آمریکا در

کردستان عراق و تقویت گروه‌های اپوزسیون جلوه‌هایی از تأثیرپذیری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از حضور امریکا در این خطه است. (قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۰)

محسنی زاده ضمن برشمردن آثار تشکیل حکومت اقلیم کردستان، اشاراتی نیز به بهره‌برداری و حضور و نفوذ کشورهای هم‌چون رژیم صهیونیستی، آمریکا و ترکیه در شمال عراق علیه منافع جمهوری اسلامی ایران نموده و بیان نموده است که مسئله کرد همواره به‌عنوان یکی از منابع پایدار تنش در داخل و خارج از مرزهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران تاکنون توانسته است توسط برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت اعمال فشار و برای دستیابی به خواسته‌های خود در داخل کشور مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. (محسنی زاده، ۱۳۹۱)

در آثار موردبررسی، مشاهده گردید که هیچ‌کدام به‌طور مستقل به موضوع این پژوهش نپرداخته‌اند، بلکه به‌عنوان قسمتی از مطالعات خود به آن اشاره کرده‌اند و از سویی نیز حساسیت چندانی به حضور ترکیه در اقلیم کردستان نداشته و آنرا فقط نوعی رقابت و همکاری بین ایران و ترکیه جلوه داده‌اند، بنابراین، تحقیق پیش‌رو می‌تواند اثر مناسبی در پر کردن این خلأ باشد.

#### ۱-۴. روش تحقیق

با توجه به اینکه در این تحقیق، محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش حضور ترکیه در منطقه اقلیم کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نداشته و صرفاً آنچه را که وجود دارد توصیف و تشریح می‌کند بنابراین تحقیقی توصیفی-تحلیلی است.

#### ۱-۵. سؤال و فرضیه تحقیق

این تحقیق در پی آن است به این سؤال پاسخ دهد که، رویکرد سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان عراق چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد و به‌منظور رسیدن به پاسخ موردنظر نیز فرضیه زیر در نظر گرفته شده است:

به نظر می‌رسد فعالیت‌های ترکیه در منطقه اقلیم کردستان عراق، بستر تهدیداتی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است و در صورت عدم اتخاذ اقدامات لازم از سوی دولت، در آینده این موضوع می‌تواند کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق را در بر داشته باشد.

#### ۲-بخش دوم: ادبیات و چارچوب نظری تحقیق

## ۲-۱- ادبیات تحقیق

### ۲-۱-۱- رویکرد ترکیه در اقلیم کردستان عراق

یکی از حوزه‌های مهم رقابت که غیرقابل چشم‌پوشی از سوی تهران و آنکارا بوده است منطقه اقلیم کردستان عراق است که در دهه‌ی اخیر و پس از سقوط صدام و فدرالی شدن این منطقه، و به‌خاطر نقش تأثیرگذار آن در نظام سیاسی دولت مرکزی بغداد، مورد توجه ویژه آنکارا قرار گرفته و این کشور با فعالیت‌های متنوع خود در زمینه سیاسی قصد دارد از این منطقه در جهت نیل به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت خود استفاده نماید که این فعالیت‌ها با توجه به حجم، تنوع، رویکرد و اهداف آن می‌تواند تأثیرات و پیامدهایی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد.

### ۲-۱-۲- اقلیم کردستان عراق

سرکوب بزرگ‌ترین خیزش توده‌ای کردها در مارس ۱۹۹۱ میلادی یعنی پس از شکست عراق از نیروهای ائتلاف و آواره شدن میلیون‌ها کرد موجب تصویب قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت علیه این سرکوب گردید و با ایجاد منطقه پرواز ممنوع برفراز شمال مدار ۳۶ درجه، پرواز هواپیماهای عراق در این منطقه ممنوع شد. در نتیجه استان‌های کردنشین سلیمانیه، اربیل و دهوک تحت کنترل احزاب کردی قرار گرفتند. (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۱۹) نقطه عطف این تحولات، بروز حوادث ۱۱ سپتامبر و سقوط رژیم صدام در راستای استراتژی آمریکا در قرن ۲۱ بود که بی‌تردید به اقلیم کردستان موقعیتی ژئواستراتژیک اعطاء نمود (آیتی، ۱۳۸۵: ۲۴) چراکه در این راستا، کردها هم‌هنگ‌ترین گروه با آمریکا بودند و در سایه‌ی این همکاری، دو حزب «اتحادیه میهنی کردستان»<sup>۱</sup> و «حزب دمکرات کردستان»<sup>۲</sup> به‌عنوان متولیان حکومت اقلیم ضمن کسب مناصب کلیدی در دولت، پارلمان و ارتش، به دستاوردهای بزرگ‌تری همچون، تثبیت نظام فدرال در قانون اساسی عراق، تمهید شرایط الحاق کرکوک به اقلیم کردستان با توجه به اهمیت منابع نفتی آن و رسمیت دادن به زبان کردی به‌عنوان زبان دوم کشور عراق نیز رسیدند. (حق پناه، ۱۳۸۷: ۱۳۱) کردستان عراق دارای بیش از ۸۳ هزار کیلومتر مربع وسعت و نیز حدود ۶ میلیون نفر جمعیت شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا (کاویانی، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۰) می‌باشد، که اقلیم کردستان عراق به پایتختی شهر هه‌ولیر (اربیل)، ۴۰/۶۴۳ کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک به

<sup>۱</sup> - PUK=patriotic union of kurdestan

<sup>۲</sup> - KDP= kurdestan demokrat party

پنج میلیون و دویست هزار نفر از این وسعت و جمعیت را به خود اختصاص داده است. مناطق کردنشین، در اختیار داشتن بخش‌های بالادست اکثر رودهای جاری در عراق نظیر دجله، زاب کبیر، زاب صغیر و دیاله (سیروان) و همچنین عبور راه‌های ارتباطی زمینی و هوایی مناطق مرکزی و جنوبی عراق از کردستان به‌منظور ارتباط با ترکیه و سایر کشورهای اروپایی و ... همه باعث بالارفتن وزن ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان عراق در این کشور شده است. (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

#### ۲-۱-۳- امنیت

امنیت از نظر پژوهشگران سنت‌گرای مطالعات امنیتی به معنای «نبود تهدید» تعریف گردیده است. طراحی دکترین امنیتی بر اساس این تعریف، چنین طرحی را به‌سوی تمرکز بر منابع، علل و فاعل تهدید سوق می‌دهد. انتخاب راهکار تهدید محور به آن معناست که کار پایه دکترین امنیتی بر اساس کاهش یا حذف تهدید قرار می‌گیرد و به‌جای هدف تهدید، منبع آن مورد توجه است. مطابق با این راهکار، به‌جای کلیه آسیب‌پذیری‌هایی که می‌تواند هدف تهدیدات واقع شود، صرفاً بر روی خود تهدیدات تمرکز می‌گردد و بدین ترتیب، بخش قابل توجهی از آسیب‌پذیری‌ها از دستور امنیتی خارج می‌شوند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۵۱)

#### ۲-۱-۴- امنیت ملی

امنیت ملی به معنی در امان بودن کشور، نبود تهدید علیه ثبات سیاسی، استقلال و تمامیت ارضی و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور، و وجود شرایطی به نسبت پایدار است که در آن، امکان پاسخگویی به نیازهای حیاتی افراد جامعه وجود دارد و تهدیدی علیه منافع ملی و حیاتی کشور وجود ندارد. (تهامی، ۱۳۸۸: ۲۷) والتر لیپمن نیز معتقد است امنیت ملی به معنی دفاع از ارزش‌های اساسی در صورت اجتناب از جنگ است. (Lippman, 1943: 5) باری بوزان اعتقاد دارد امنیت ملی از نظر مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم و از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند است؛ چراکه مفهوم نامشخص امنیت ملی، راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی بازمی‌دارد. (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۸)



## ۲-۱-۵- تهدید

تهدید بیشتر به عنوان یک شاخص در شناساندن امنیت مدنظر بوده است تا اینکه خود به صورت مستقل موضوع شناخت قرار گیرد. بر این اساس می توان گفت اولین کاربرد این واژه در تعریف امنیت بوده است زیرا امنیت به مثابه نبود تهدید طراحی و عرضه می شود. بر این اساس تهدید مفهومی انتزاعی است که درهم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت و امنیت ملی دارد. به دلیل انتزاعی بودن مفهوم تهدید، تعریف تصمیم گیرندگان و مردم هر کشور از امنیت و امنیت ملی، بر درک آن‌ها از تهدید تأثیر دارد. (حسن بیگی، ۱۳۸۸: ۱۴)

## ۲-۱-۶- تهدید امنیت ملی

تهدیدی که دارای هویتی مشخص باشد، قریب الوقوع باشد، از لحاظ فاصله نزدیک باشد، احتمال وقوع آن زیاد باشد و میزان عواقب آن زیاد باشد، تهدید امنیت ملی است. البته همه متغیرهای ذکر شده، قابل اندازه گیری نیستند و یا حتی نمی توان آن‌ها را به دقت برآورد کرد و اغلب در شرایط پیچیده ای رخ می دهند که سبک و سنگین کردن آن‌ها را در طیف جدی تهدیدات، بسیار مشکل می نماید. (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۵۹)

## ۲-۲. چارچوب نظری تحقیق در باب امنیت

### ۲-۲-۱- رهیافت سازه انگاری

مطالعات امنیتی سازه انگاران<sup>۱</sup> در حدفاصل مطالعات امنیتی خردگرایان و واکنش گرایان و یا به بیان کلی تر، میان پوزیتیویست‌ها و پست پوزیتیویست‌ها قرار دارد و می کوشد تا این دو مجموعه را به یکدیگر متصل کند. سازه انگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران درباره پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می دانند و معتقدند هر اندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران درباره پدیده و موضوعات، نامتناجس تر و متناقض تر باشد، بی اعتمادی میان آنان افزایش می یابد و دولت‌ها بیشتر به سوی خودیاری و خود محوری حرکت می کنند؛ اما چنانچه ساختاری از دانش مشترک ایجاد شود، آنگاه می توان کشورها را به سوی جامعه امنیتی صلح آمیزتری هدایت نمود. سازه انگاران با طرح مسئله ایده‌ها و به دنبال آن هنجارها و هویت به این نتیجه می رسند که رفتار دولت تابع آن چیزی است که فکر می کند و مناسب تشخیص می دهد و نه آنچه قدرت انجام آن را دارد. (عبدالله... خانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۵۸)

<sup>۱</sup> - Constructivist Security Studies

در سازه‌انگاری، متغیرهای سیستماتیک نظام بین‌الملل و متغیرهای داخلی به‌طور هم‌زمان در رفتار دولت‌ها مؤثرند و دولت‌ها فاقد منافع و اهداف ثابت و غیرقابل تغییر می‌باشند. بسته به شرایط و انتظارات موجود از دولت‌ها، ممکن است اهداف آن‌ها تغییر کند. در نتیجه هنجارهای داخلی و بین‌المللی، متغیر مستقل و سیاست هماهنگی با هنجارها، متغیر وابسته می‌باشند. (Smith, 2001: 38) الکساندر ونت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری اعتقاد دارد، هویت‌ها منافع را شکل می‌دهند و منافع نیز سرچشمه رفتار از سوی دولت‌ها می‌شوند و آنارشی چیزی است که دولت‌ها آن را بر اساس فهم خود می‌سازند. (Wendt, 1999: 391-25) آدلر و بارنت بر این باورند که مبادلات سیاسی و اقتصادی چیزی بیش از مبادله ساده کالا و خدمات است و آن‌ها بالقوه سنگ بنای ایجاد اعتماد و احساس تعلق به جامعه هستند، وابستگی متقابل بر اساس تعاملات پایدار و مکرر لزوماً به‌تنهایی منجر به همکاری و تعاملات پایدار نمی‌شود و از سوی دیگر، در غیاب هویت جمعی، تعاملات مکرر منجر به افزایش اعتماد میان طرفین نخواهد شد (Adler & Barnett, 1998: 416).

### ۳- بخش سوم: یافته‌های تحقیق

سیاست‌مداران حزب عدالت و توسعه که در راستای اهداف بلند پروازانه خود از هیچ اقدامی فروگذار ننموده‌اند، با طرح سیاست‌هایی همچون سیاست نگاه به شرق، سیاست تنش صفر با همسایگان<sup>۱</sup> و رهنامه عمق استراتژیک<sup>۲</sup>، سعی در بازسازی چهره ترکیه در اذهان ملت‌های منطقه نمودند و با واردکردن ادبیات دین و ضدیت با اقدامات ظالمانه رژیم صهیونیستی در این سیاست‌ها، در ظاهر خود را ناجی ملت‌های منطقه نشان دادند. اما در جریان بیداری اسلامی و وقایع سوریه که دولت ترکیه در کنار مخالفان دولت سوریه و در مقابل دو کشور همسایه خود یعنی جمهوری اسلامی ایران و عراق قرار گرفت عملاً سیاست تنش صفر با همسایگان با بن‌بست مواجه شده و چهره واقعی دولت ترکیه بر همگان عیان گردید.

بنابراین در تحلیل سیاست‌های ترکیه و تعیین نوع رابطه با این کشور از سوی جمهوری اسلامی ایران می‌توان پی به نشان‌ها و شاخص‌هایی برد که نشان می‌دهد دولت آنکارا در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران هر زمان که اراده کند می‌تواند از سیاست همکاری - رقابت به سیاست خصومت - رقابت تغییر سیاست داده و به‌منظور رسیدن به اهداف منفعت طلبانه خود از هیچ

<sup>۱</sup> - zero problem with neighbors

<sup>۲</sup> - strategic depth

اقدامی چشم‌پوشی ننماید. شاخص‌هایی که در فعالیت‌های ترکیه در اقلیم کردستان نیز می‌تواند مورد توجه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و از این اقدامات و فعالیت‌ها رمزگشایی نماید. برخی از این شاخص‌ها به قرار زیر می‌باشند:

### ۳-۱- شاخص‌های تهدیدآمیز سیاسی حضور ترکیه در اقلیم کردستان عراق ۳-۱-۱- غرب‌گرایی در سیاست‌های ترکیه

ترکیه در چارچوب اصول سیاست خارجی خود، یک جهت‌گیری عمده داشته است؛ جهت‌گیری حرکت به سمت غرب، که نشئت‌گرفته از تفکر کمالیسم بوده و بیشتر نخبگان ترکیه از ابتدای شکل‌گیری رژیم جمهوری به این اصل اعتقاد داشته و معتقد بوده‌اند که یک ترکیه مدرن و مستقل تنها از طریق غربی شدن و اروپایی شدن قابل تحقق است (چگینی‌زاده و خوش‌اندام؛ ۱۳۸۹: ۱۹۲) و این سیاست همواره از سوی همه دولت‌ها و احزاب نیز تعقیب شده است؛ به‌گونه‌ای که مصرانه‌ترین درخواست ترکیه جهت عضویت در اتحادیه اروپا زمانی به‌طور جدی مطرح گردید که یک حزب اسلام‌گرا (دولت اربکان) قدرت کشور را در دست داشت. (چگینی‌زاده و خوش‌اندام؛ ۱۳۸۹: ۱۹۲) برای ترک‌ها روابط ویژه با آمریکا و غرب (عضویت در ناتو)، تصمیم‌گیری‌های موردی مستقل از آمریکا (مانند مسئله عراق) و تداوم حضور مؤثر آمریکا در منطقه دارای‌هایی محسوب می‌شوند که می‌توانند از آن‌ها برای تبدیل شدن به قدرت مرکزی استفاده کنند. (حسینی و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۱۵۶)

### ۳-۱-۲- تضاد ایدئولوژیک ترکیه و جمهوری اسلامی ایران

حزب عدالت و توسعه که با دیدگاه‌های معتدل و ایدئولوژیک در انتخابات سال ۲۰۰۲ میلادی به قدرت رسید، پس از قدرت‌گیری نشان داد تاکنون هیچ‌گاه در صدد تشکیل حکومت اسلامی نبوده است. در واقع، آن‌ها سکولارند تا اسلام‌گرا، چون مذهب را به امور فردی و شخصی منحصر کرده‌اند و حاضر نیستند احکام اسلامی را در جامعه ترک پیاده کنند. (حسینی و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۱۳۵) و همان‌گونه که در محافل غربی ادعا می‌شود، آن‌ها پیش از هر چیز «دمکرات، مسلمان» و پایبند به اصول دموکراسی، سکولاریسم و رفورمیسم هستند. (چگینی‌زاده و خوش‌اندام؛ ۱۳۸۹: ۱۹۰) نوع نگاه ایدئولوژیک ایران و ترکیه به مسائل منطقه‌ای نیز متفاوت و مبتنی بر دو شاخص "مقاومت" و "گفتگو" است. ایران در جهت تقویت جریان مقاومت منطقه تلاش می‌کند و مخالف هرگونه سازش اعراب و رژیم صهیونیستی است اما ترکیه

ضمن حمایت از محور مقاومت تلاش دارد تا نشان دهد که توانایی و ظرفیت گفتگو با تمامی طرف‌های درگیر و تأثیرگذار بر این موضوع از جمله با آمریکا و رژیم صهیونیستی را هم‌زمان دارد. درباره علل مخالفت ترکیه و ایران با حضور آمریکا در منطقه نیز، ایران، ریشه ناامنی در منطقه خاورمیانه را به دلیل حضور آمریکا در منطقه و حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی غاصب می‌داند، بنابراین خواهان به حداقل رساندن نقش آمریکا در منطقه و خروج فوری نیروهای آمریکایی از منطقه است. اما ترکیه خواهان به چالش کشیدن یا به حداقل رساندن نقش آمریکا در منطقه نیست، بلکه معتقد است سیاست‌های سیاسی-امنیتی آمریکا در منطقه اشتباه است و باید بازبینی شود و در این راستا نقش ترکیه می‌تواند بسیار کارساز باشد. (برزگر، ۱۳۹۰: <http://fa.merc.ir/127/ArticleId/1229>)

### ۳-۱-۳- رقابت برای الگو شدن در میان کشورهای خاورمیانه

آنچه واضح است این است که ترکیه در پی نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری جدی در تحولات جهان عرب (بیداری اسلامی) بر پایه الگوی دولت عدالت و توسعه که فقط پوسته‌ای اسلامی دارد برآمده است. ترکیه جایگاه ویژه‌ای میان کشورهای اسلامی دارد که ناشی از به ارث بردن میراث امپراتوری عثمانی به‌عنوان حافظ جهان اسلام، به‌ویژه جهان سنی است. با توجه به همین علایق، ترکیه الگوی دولت اسلامی عدالت و توسعه را دارای ظرفیت الگوبرداری توسط اسلام‌گرایان کشورهای عربی می‌داند. افزون بر این، غرب به‌ویژه آمریکا ارائه الگوی ترکیه را که بر تعامل با غرب و بر صلح و رفاه تأکید دارد، نسبت به الگوی حکومت اسلامی ایران که بر تقابل با مدرنیسم و غرب تأکید می‌کند و راه جهاد را در پیش گرفته است، برتر دانسته و الگوی ترکیه را سازگارتر و بی‌خطرتر نسبت به منافع خود می‌داند. (دهقانی پوده، ۱۳۹۱: [www.irdiplomacy.ir](http://www.irdiplomacy.ir))

### ۳-۱-۴- مثلث آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی

ترکیه اولین کشور مسلمانی بود که رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۲۰۲) همکاری و همگامی ترکیه با رژیم صهیونیستی جزئی از سیاست‌های استراتژیک و اهداف نهایی آمریکا و رژیم صهیونیستی در قالب طرح خاورمیانه بزرگ با هدف اتصال کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز در یک منطقه جغرافیایی است (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۹) و یکی از محورهای مشترک همکاری‌های واشنگتن، آنکارا و تل‌آویو، مقابله

با جمهوری اسلامی در منطقه بوده است.

در این میان برخورد تحقیرآمیز اردوغان با شیمون پرز در اجلاس داووس (۲۰۰۹ میلادی) و حمله رژیم صهیونیستی به کشتی آزادی ترکیه نیز در واقع اقدامی تاکتیکی بود که آنکارا در ایجاد بحران ساختگی با تل‌آویو اهدافی چون همراه سازی افکار عمومی جهان اسلام با خویش و کاهش نفوذ ایران در موضوع فلسطین و ... را دنبال می‌کرد، به طوری که در این برهه ترکیه توانست ضمن جذب سرمایه‌های دنیای عرب و جایگزینی گردشگران کشورهای عربی با گردشگران محدود رژیم صهیونیستی، مبادلات تجاری خود را با رژیم صهیونیستی ۳۵ درصد افزایش دهد. نکته مهم آنکه در این بحران ظاهری، آنکارا داوطلب استقرار سپر موشکی شد که هدف اصلی آن دفاع از رژیم صهیونیستی است. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۵) به‌طور کلی آمریکا با اهداف استراتژیک، رژیم صهیونیستی با اهداف امنیتی و ترکیه با اهداف سیاسی و اقتصادی به برقراری مثلث استراتژیک مذکور پرداخته‌اند و ایران هسته اصلی اهداف این مثلث ژئوپلیتیک است. (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

### ۳-۱-۵- عدم دیپلماسی ثابت و رویکرد چندوجهی به مسائل منطقه‌ای و ایران

بلندپروازی‌های رهبران جوان حزب عدالت و توسعه در قالب رویکرد چند جانبه‌گرایی و سیاست تنش صفر با همسایگان، دستاوردهای قابل توجهی به مدت یک دهه برای ترکیه در پی داشت، اما پس از آغاز روند بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ میلادی، جاه‌طلبی‌های این رهبران، سیاست ترکیه را از مشکلات صفر با همسایگان به تنش با همسایگان سوق داد. (حسینی و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۱۳۰) عدم وجود دیپلماسی ثابت نزد دولت مردان ترکیه، موجب اتخاذ رویکرد چندوجهی به مسائل منطقه‌ای به‌ویژه خاورمیانه گردیده است. در این رویکرد، نوع برخورد با ایران، سوریه، عراق و رژیم صهیونیستی دارای ویژگی‌های متفاوتی است و حتی سیاست خارجی ترکیه در قبال هریک از این کشورها همواره یکسان (دوستانه یا دشمنانه) نیست، زیرا ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه خود را دارای هویت امپراطوری دانسته یا به سخن بهتر، این هویت را آشکار کرده است. بدین‌سان ترکیه اقدام به گسترش روابط با بغداد می‌کند و با سوریه، اقدام به انعقاد قراردادهایی همچون لغو روایت بین دو کشور و تشکیل شورای همکاری‌های راهبردی بین دو دولت می‌کند اما با شروع بیداری اسلامی، ترکیه به دفاع آشکار از شورشیان داخل سوریه پرداخته و عملاً در مقابل تهران، بغداد و دمشق می‌ایستد. (حسینی و دیگران؛ ۱۳۹۱: ۱۵۳).

این نوع رفتارهای سیاسی غیر شفاف و پیچیده در قبال جمهوری اسلامی ایران نیز به اجرا درآمده است که استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه نمونه‌ای از این دست مواضع در برابر تهران بوده است.

### ۲-۳- اهداف و دستاوردهای سیاسی حضور ترکیه در اقلیم کردستان عراق

#### ۳-۲-۱- کنترل تهدیدات ناشی از فدرالی شدن حکومت اقلیم کردستان بر کردهای ترکیه

از زمان تشکیل جمهوری ترکیه تاکنون، موضوع کردهای ترکیه اصلی‌ترین دغدغه امنیتی مقامات سیاسی ترکیه بوده است. مهم‌ترین خواست کردهای ترکیه که از دیرباز تاکنون بر آن پافشاری کرده‌اند، دو موضوع بوده است: نخست، خودمختاری کردهای ترکیه، دوم، به رسمیت شناختن زبان کردی به‌عنوان زبان دوم ترکیه. آنچه موجب نگرانی ترکیه شده، حضور کردهای شمال عراق است. (فلاح؛ ۱۳۹۱) ترکیه بیم آن دارد که افزایش حاکمیت و اقتدار سیاسی کردها در شمال عراق موجب تحریک بیشتر و تأثیرگذاری آن‌ها بر کردهای ترکیه و افزایش مطالبات و ترویج نا آرامی در میان کردهای ترکیه شود. بنابراین سعی دارد در شمال عراق، بازی را خود کارگردانی کند. (مهری‌پروگو؛ ۱۳۸۶: ۹) توسعه روابط آنکارا و حکومت اقلیم کردستان بی‌تردید تأثیر قابل توجهی بر کاهش تنش‌ها میان دولت مرکزی و کردهای ترکیه برجای خواهد گذاشت. در واقع رهبران کرد عراق می‌توانند از نفوذ خود برای کاهش خشونت‌ها در ترکیه بهره‌گیرند. ترکیه خود از پیامدهای توسعه روابط با رهبران کرد و تأثیر آن بر کردهای ترکیه آگاه و بر این حقیقت واقف است که بسترهای لازم برای ایجاد یک دولت مستقل کردی را مهیا می‌کند. اما ترکیه با پذیرش این موضوع به دنبال آن است تا حداقل ردپایی محکم در شمال عراق و در میان دولت بالقوه مستقل کردی در آینده ایجاد کند تا از این طریق در معادلات آتی در این منطقه از حداقل نقش و نفوذ برخوردار باشد. (بهرامی، ۱۳۹۱: <http://www.kurdpress.com/fa/Id=28066>)

در این راستا دیدارهای دوجانبه مقامات دو طرف نیز اقدامی است از سوی دولت مردان ترک، که توانسته است آنکارا را در نیل به کاهش خشونت کردهای ترکیه در قبال دولت مرکزی یاری کند. چنان‌که در جشنواره دیاربکر ترکیه، روزنامه «ملیت» فاش کرد که «اردوغان»، و «بارزانی»، پس از پایان جشنواره، نشستی در هتل محل اقامت خود برگزار کردند و طرفین در این دیدار به توافقاتی دست یافتند که یکی از بندها، توافق طرفین برای حمایت از فرایند حل و فصل مسئله کردها در ترکیه بوده است و بارزانی متعهد به حمایت قاطع از آن شده است. در این جشنواره همچنین

بارزانی سخنان خود را با عبارات خوشامدگویی به زبان ترکی - کردی شروع کرد، تا اردوغان از ابتدا تا انتهای سخنانش از لفظ «برادران ترک و کرد» استفاده کند.

(<http://www.tabnak.ir/fa/news/358839>) دولت اردوغان در مناطق کردنشین این کشور کمی بیش از هفتاد کرسی نمایندگی مجلس را به دست آورده و نشان داده که توان رویارویی با گفتمان ملی‌گرایی ترکیه را دارد و از حمایت و همراهی کردها آسوده‌خاطر است. (دستمالی، ۱۳۹۲: <http://www.kurdpress.com/fa/?Id=48067>)

### ۳-۲-۲- نفوذ سیاسی و کنترل منطقه اقلیم کردستان عراق

با توجه به رویکردهای زمامداران ترکیه در دهه‌های اخیر نسبت به شمال عراق، مهم‌ترین سناریوهای این کشور را نسبت به این منطقه می‌توان چنین برشمرد:

یک کردستان مستقل، مشتمل بر کردستان عراق و ترکیه، تأسیس خواهد شد، که در مقابل تجزیه مناطق کردنشین ترکیه از آن کشور، سهمی از مناطق نفت‌خیز شمال عراق به ترکیه اختصاص خواهد یافت. سناریوی دوم شامل راهبرد حفظ تمامیت ارضی ترکیه و الحاق مناطق شمالی عراق به آن کشور بود. ادعای سلیمان دمیرل، مبنی بر تغییر مرزها و تعلق موصل به خاک آن کشور، در راستای همین سناریو، قابل ارزیابی است. در سناریوی سوم نیز یک دولت مستقل کرد در شمال عراق، تأسیس خواهد شد، اما چون قادر نخواهد بود روی پای خود بایستد، دولت ترکیه، وظیفه حمایت از آن را برعهده خواهد گرفت. (جعفری ولدانی؛ ۱۳۷۴: ۶۳-۶۲) بر طبق سناریوی اول، مسلماً ملت و دولت ترکیه با توجه به ذهنیت تاریخی خود از معاهدات سور (۱۹۲۰ میلادی) و لوزان (۱۹۲۳ میلادی) که منجر به تجزیه امپراطوری عثمانی گردید، هرگز این سناریو را نمی‌پذیرفتند. سناریوی دوم نیز با توجه به واکنش شدید جامعه جهانی و کشورهای منطقه قابل تحقق نبود و فقط سناریوی سوم در مقابل دولت‌مردان ترکیه قابل قبول‌تر می‌نمود. سناریویی که نسبت به دو سناریوی دیگر کاملاً در راستای سیاست‌های حزب عدالت و توسعه دولت اردوغان بوده و این دولت پس از انجام اقدامات مختلف (حتی حمله نظامی در سال ۲۰۰۸ میلادی) در قبال شمال عراق، آن‌را برگزید و فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی و سیاسی چشم‌گیری را در منطقه کردستان عراق به عمل آورد و بدین‌وسیله حتی تصمیمات سیاسی اقلیم کردستان عراق را نیز تحت تأثیر قرار داد که انعقاد قراردادهای نفتی بدون موافقت دولت مرکزی بغداد نمونه‌ای از موارد این امر است.

اصل وابستگی متقابل اکنون بخشی از دکترین سیاست خارجی آنکارا در قبال شمال عراق است و از موفقیت خوبی نیز برخوردار است که مهم‌ترین دلیل برای این ادعا نیز نگرش ویژه دولت مردان کردستان عراق به موقعیت مواصلاتی ترکیه در مسیر بازارهای اروپایی است (ولیعلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸) که به آن به‌مثابه راه تنفس خود می‌نگرند. شاید این گفته نچیروان بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان این وضعیت را بهتر توصیف نماید. وی در مصاحبه با تایم گفته است: «ما یک در امید داریم که آن ترکیه است، اگر این در امید بسته شود ما توسط حکومت بغداد محاصره خواهیم شد.» (<http://www.irinn.ir/11703>)

### ۳-۲-۳- کنترل پ.ک.ک

دولت ترکیه همواره، ملهم از ایده‌ی کمالیسم و با رویکردی خشونت‌آمیز، در صدد سرکوب کردهای این کشور برآمده و با ترک‌کوهی خواندن اقلیت قابل‌توجه کردهای این کشور منکر هرگونه هویت کردی شده است. این رویکرد دولت مرکزی طی چندین دهه و با مقاومت کردهای این کشور به‌خصوص در قالب حزب پ.ک.ک، جنگی طولانی‌مدت و خونین را بین طرفین در پی داشته است. (جعفری، ۱۳۹۱: <http://borhan.ir/?Id=4806>) جنگی که بیش از ۴۰ هزار نفر کشته و ده‌ها میلیارد دلار هزینه، تنها بخشی از سه دهه کشمکش نظامی میان دولت و ارتش ترکیه با حزب شورشی کارگران کردستان ترکیه است و از هنگام آغاز آن (۱۹۸۴ میلادی) تا به امروز (۲۰۱۳ میلادی) هیچ‌گاه از طریق نظامی حل‌وفصل نگردیده است. (بهرامی، ۱۳۹۱: <http://kurdpress.ir/news/?ID=30014>) در طول سالیان گذشته کردستان عراق در نگاه ترکیه مأمّن شبه نظامیان پ.ک.ک و عمق استراتژیک این گروه بوده است، و آنکارا معتقد بود که کنترل کردها از مجرای تهران- آنکارا- بغداد می‌گذرد ولی در حال حاضر متقاعد شده است مسئله مذکور از طریق آنکارا- اربیل- واشنگتن نیز قابل پیگیری است و حکومت اقلیم کردستان به‌نوعی بخشی از حل بزرگ‌ترین مشکل امنیتی ترکیه به‌شمار می‌رود. بارزانی همواره به گروه‌های جدایی طلب کردی هشدار می‌دهد از اسلحه استفاده نکنند و به گفتگو رو بیاورند تا حدی که اجازه سرکوب پ.ک.ک را در درون کردستان عراق می‌دهد. ([www.irinn.ir/11703](http://www.irinn.ir/11703)) رهبران آنکارا، نیل به مقاصد و نیت منطقه‌ای خود را درگرو پایان یافتن بحران کردی می‌دانند چراکه در صورت تضعیف یا حل بحران کردها در داخل ترکیه، فرصت بازیگری و احیاناً مداخله‌گری بیشتری نصیب این کشور می‌شود. از این رو آنکارا پس از شروع مذاکرات با سران گروه‌ها و احزاب کردی در



داخل، بلافاصله در جستجوی قطع ارتباطات لجستیکی پ.ک.ک با کشورهای خارجی و مجاور برآمد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۱) که کردستان عراق به‌عنوان همسایه‌ای که می‌توانست بیشترین و مهم‌ترین نقش را در این رابطه ایفا کند، پذیرفت که محدودیت‌هایی را در قبال پ.ک.ک به عمل‌آورند و دفاتر این حزب را در منطقه شمال عراق و همچنین در بغداد تعطیل کنند. همچنین متعهد شدند راه‌ها و مجاری ارسال تسلیحات و امکانات به گروه پ.ک.ک را محدود کنند و اجازه ندهند شمال عراق به پایگاهی برای دشمنی با همسایگان این کشور تبدیل شود. (چگینی و حق‌پناه، ۱۳۸۶)

### ۳-۲-۴- تضعیف قدرت شیعیان و دولت مرکزی عراق:

مقامات ترکیه پس از اشغال عراق و سقوط صدام، شاهد تغییراتی اساسی و بنیادی در نظام سیاسی عراق بودند. پس از دهه‌ها انزوای شیعیان، دولتی در این کشور روی کار آمد که شیعیان ساکن‌دار آن بوده و درعین حال کردها نیز در چارچوب قانون اساسی و نظام فدرالیسم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند. آنکارا به‌خوبی متوجه وزن بالای سیاسی و قدرت تأثیرگذاری کردها در معادلات سیاسی عراق و دولت مرکزی این کشور گشته و مشاهده کرد، ائتلاف کردها با هر یک از دو گروه شیعه یا سنی می‌تواند کفه ترازو را به نفع آن‌گروه سنگین کند. از این‌رو ترکیه از سال ۲۰۰۵ میلادی در راستای گسترش دامنه نفوذ خود، به سیاست نزدیکی به کردهای عراق که در دهه‌های پیشین تابو محسوب می‌شد روی آورد. سیاستی که ترک‌ها از آن برای حفظ موازنه قدرت در سطح منطقه و همچنین اهرم فشاری در مقابل دولت مرکزی عراق استفاده می‌کنند. (حاجی‌مینه؛ ۱۳۹۲) هرچند که علیرغم تبلیغی که می‌شود، واقعاً حکومت در اختیار شیعیان نبوده و ما می‌بینیم که رئیس‌جمهور، سنی و کرد، رئیس‌مجلس سنی، دو معاون رئیس‌جمهور سنی و نیز تعداد قابل توجهی از نمایندگان پارلمان از سنی‌ها و کردها تشکیل شده است و واقعاً شیعیان نسبت به جمعیت خود نتوانسته‌اند ساختارهای حکومت عراق را در دست بگیرند.

به‌طورکلی ترکیه همانند بسیاری از کشورهای عربی، به قدرت گرفتن شیعیان در عراق تمایل ندارد. البته ماهیت و نوع رویکرد ترکیه به این مسئله تفاوت اساسی با رویکرد کشورهای عربی دارد، با این حال، قدرت گرفتن ایران از طریق شیعیان در صحنه عراق، خوشایند ترک‌ها هم نیست. (فلاح؛ ۱۳۹۱: ۴۵) در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ عراق که ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی، ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی، ائتلاف ملی و ائتلاف هم‌پیمانی کردستان با یکدیگر

رقابت می‌کردند، حمایت ترکیه از ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی که عمده اعضای آن را گروه‌های سنی و یا سکولار تشکیل می‌دادند، مصداق بارز سیاست ترکیه در حمایت از گروه‌های سنی و سکولار در عراق به‌منظور تضعیف قدرت شیعیان است. ترکیه اعتقاد دارد چنانچه در عراق، حکومتی در قدرت باشد که از سنی‌های عراق و گروه‌های سکولار تشکیل شده باشند، بسترهای مناسبی برای اجرای سیاست خارجی ترکیه در عراق ایجاد خواهد شد و بالطبع، موجب افزایش نفوذ ترکیه در عراق خواهد شد. (فلاح؛ ۱۳۹۱: ۴۵)

۳-۲-۵- تأثیر بر حوادث سوریه

آنکارا از دست دادن عرصه شامات را مساوی با افزایش قدرت رقبای منطقه‌ای خود در غرب آسیا می‌بیند و این برخلاف منافع و بلندپروازی‌های این کشور است، بنابراین در بحران سوریه خود را در جبهه غرب و در مقابل جبهه مقاومت قرار داد. (زین، ۱۳۹۱: <http://kurdpress.ir/fa/>; [news/?ID=36817](http://news/?ID=36817))

به نظر می‌رسد ترکیه در این شرایط از سه طریق کاهش نگرانی‌های قومی-امنیتی خود را در مناطق کردنشین سوریه پیگیری می‌نماید. نخست، تحریک و ترغیب گروه‌های مخالفین سوریه به مخالفت جدی با مطالبات قومی کردهای مناطق شمال سوریه؛ دوم، تقویت و تحریک گروه‌های عربی عمدتاً سلفی به حضور در مناطق کردنشین شمال سوریه؛ سوم، حمایت و همکاری ضمنی با تلاش‌های مسعود بارزانی در مدیریت کلی شورای ملی کردی در سوریه در رقابت با حزب اتحاد دمکراتیک پ.ک.ک به‌منظور تضعیف نقش آنان در مناطق کردنشین شمال سوریه؛ (پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۱: <http://fa.merc.ir/> ID/1866). زنگ‌های هشدار در این زمینه برای آنکارا زمانی به صدا در آمد که بارزانی اعلام کرد که اقلیم در حال آموزش پیکارجویان کرد "شورای ملی کردی سوریه" به‌منظور بازگرداندن آن‌ها به قلمرو کردی سوریه برای دفاع از این مناطق است. این اظهارات خشم اردوغان را برانگیخت و بلافاصله، داود اوغلو وزیر خارجه (وقت) ترکیه را به اقلیم کردستان فرستاد تا اعتراض آنکارا نسبت به این اقدام را به کردهای عراقی اعلام کند. (بهرامی، ۱۳۹۱: <http://kurdpress.com/Id=30372>)

در همان‌روز، روزنامه‌ی ترکیه از قول داود اوغلو در گفتگوی سه ساعته‌ی ارپیل، جمله‌ای را آورده بود مبنی بر این‌که: "بارزانی پیام ما را گرفت" و این‌که تحولات سوریه، می‌تواند ثبات کل منطقه را به خطر بیندازد. (عثمان هیوا، ۱۳۹۱: <http://kurdpress.ir/Id=30740>) روزنامه «ملیت» چاپ آنکارا

نیز در تحلیل آخرین سفر بارزانی به ترکیه فاش کرد که اردوغان و بارزانی پس از پایان جشنواره «دیاریکر» نشستی در هتل محل اقامت خود برگزار کردند. طرفین در این دیدار به توافقاتی دست یافتند که یک بند آن، توافق برسر مخالفت با اقدام «حزب اتحاد دموکراتیک» گردهای سوریه برای اعلام حکومت خودگردان و اداره خودگردان موقت مناطق گُردنشین سوریه تا زمان حل بحران این کشور بوده است. ([tabnak.ir/fa/news/358839](http://tabnak.ir/fa/news/358839)) با این تفاسیر ترکیه به واسطه داشتن نفوذ سیاسی در این منطقه در صدد است با تشویق و در مواردی نیز با تهدید رهبران کرد عراق، از نفوذ آنان در تحولات شمال سوریه بهره گرفته و از ایجاد یک منطقه مستقل کردی در این منطقه تحت نفوذ احزاب مخالف ترکیه جلوگیری کند.

### ۳-۲-۶- گسترش نفوذ ناتو در خاورمیانه و به ویژه شمال عراق

در گذشته ناتو به خاطر عضویت ترکیه در این سازمان به مرزهای ایران رسیده بود. در حال حاضر علاوه بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، افغانستان و مناطقی از آسیای مرکزی و قفقاز، فعالیت‌های ناتو در عراق نیز رو به افزایش است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ میلادی، فعالیت‌های ناتو در عراق در قالب افتتاح مراکز آموزشی و دانشکده‌های نظامی ادامه پیدا کرده است و در حال حاضر علاوه بر آموزش نهادهای زیر نظر ناتو در عراق، نهادهای مشورتی برای دولت عراق نیز محسوب می‌شوند. این در حالی است که آمریکا تلاش می‌کند هدف از تقویت ناتو و گسترش آن را جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های تسلیحاتی آن معرفی کند. (احدی، ۲۰۱۰ <http://www.csr.ir/semid=164:1387>) کما اینکه در اجلاس سران ناتو در لیسبون (نوامبر ۲۰۱۰ میلادی) که با حضور دیم‌تری مدودف، رئیس‌جمهور روسیه برگزار گردید، ناتو برای اولین بار در سند راهبردی خود اعلام نمود که روسیه برای ناتو تهدید محسوب نمی‌شود. این بدین معنی است که هدف از استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه نه علیه موشک‌های دوربرد و قاره‌پیمای روسیه که علیه موشک‌های کوتاه و میان‌برد ایران است. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰)

دامنه فعالیت‌ها و نفوذ ناتو در عراق فقط به این دولت مرکزی ختم نشده و منطقه اقلیم نیز به‌منظور توازن در مقابل دولت مرکزی روی به این امر آورده است. به گزارش خبرگزاری کردپرس، وزارت پیشمرگ اقلیم کردستان عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد جبار یاور، دبیرکل و سخنگوی وزارت پیشمرگ اقلیم کردستان عراق، به دعوت رسمی ناتو و برای شرکت در اجلاس دو روزه این نهاد نظامی به بلژیک رفته است. (<http://Kurdpress.com/fa/?Id=52723>) در این

میان از آنجایی که دیدگاه‌های ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای قدرتمند ناتو در قبال خاورمیانه بزرگ، عموماً به‌موازات دیدگاه کشورهای اروپایی است، انتخاب ناتو به‌عنوان چارچوبی برای خاورمیانه بزرگ امتیازی برای ترکیه محسوب می‌شود، چراکه ترکیه در صورت افزایش فعالیت‌های ناتو در اقلیم کردستان عراق نقش کلیدی در تحقق این فعالیت‌ها می‌تواند ایفا نماید. (سلیمی، ۱۳۹۱: <http://kurdpress.ir/Fa/?Id=30645>)

### ۳-۲-۷- تأثیر بر مناسبات ترکیه و اتحادیه اروپا

در سیاست خارجی دولت‌های مختلف در ترکیه، تلاش جهت عضویت در اتحادیه اروپا همواره از سیاست‌های ثابت هر یک از این دولت‌ها بوده است و این تلاش‌ها از سال ۱۹۸۷ میلادی که تورگوت اوزال تقاضای عضویت در اتحادیه اروپا را مطرح کرد با جدیت بیشتری پیگیری گردیده است. تلاش‌هایی که در دوران دولت اردوغان نیز ادامه یافت و منجر به پذیرش نامزدی ترکیه و آغاز مذاکرات در این زمینه در سال ۲۰۰۵ میلادی گردید. یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه ترکیه جهت ورود به اتحادیه اروپا، موضع‌گیری‌های سران ترک در مقابل کردهای مخالف و سرکوب آنان توسط آنکارا است. (علیزاده، ۱۳۹۲: <http://peace-ipsc/fa>) واقعیت آن است که نه مبارزات طولانی ارتش ترکیه علیه کردهای جنوب‌شرقی این کشور و نه اقدامات آشتی‌جویانه دولت اردوغان در جهت کنترل کردهای ترکیه، هیچ‌کدام هنوز نتوانسته است کردها را قانع و مجبور به عقب‌نشینی از اهداف واگرایانه خود نماید و دولت اردوغان تلاش نموده است با سیاست نزدیک شدن به دولت اقلیم کردستان عراق این مشکل را حل کند. با این روابط، دولت آنکارا از یک‌سو به کردهای خود وانمود می‌کند که با کردها مشکلی ندارد و از سوی دیگر نیز از نفوذ و اعتبار رهبر اقلیم کردستان عراق برای جلب رضایت کردهای ترکیه و کاهش تنش آن‌ها با دولت اردوغان استفاده می‌کند. بارزانی نیز به‌عنوان متحد استراتژیک ترکیه در منطقه، به دلیل نیاز شدید به انتقال نفت و گاز اقلیم از مسیر ترکیه به قاره اروپا بی‌میل به ایفای این نقش نبوده و در جهت نزدیک نمودن مردم کرد ترکیه نیز به دولت مرکزی اقداماتی را انجام داده است که سفر او در سال ۲۰۱۲ به دیار بکر نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب اقدامات دولت اقلیم کردستان عراق توانسته است کمک شایانی به ترکیه در جهت نیل به هدف پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا نماید.

از سوی دیگر نیز با توجه به منابع فراوان نفت و گاز و امنیت نسبی در منطقه فدرال کردستان عراق این

امر یک فرصت استثنایی برای اتحادیه اروپا محسوب می‌شود که منجر به کاهش نسبی وابستگی اتحادیه اروپا به دیگر تأمین‌کنندگان انرژی، مخصوصاً روسیه می‌شود. (پوراسماعیلی، ۱۳۹۰: <http://peace-ipsc/fa>) ترک‌ها امیدوارند که هم این مسئله و هم نیاز روزافزون اروپا به انرژی دریافتی اقلیم کردستان از مسیر ترکیه فرآیند پذیرش این کشور را در اتحادیه اروپا تسریع نماید. وابستگی کشورهای منطقه به ترکیه و درخواست ترکیه برای ورود به اتحادیه اروپا با کارتی که این کشور برای تبدیل شدن به مسیر استراتژیک انرژی در اختیار دارد قطعاً موقعیت بهتری در پیوستن به اتحادیه اروپا خواهد یافت و قدرت چانه‌زنی ترکیه در مذاکرات آینده بالا خواهد رفت. (پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۹۲: <http://fa.merc.ir/articleid/2113>)

### ۳-۲-۸- ایجاد تقابل بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق

بعد از اینکه کردها ۲۷٪ و اعراب سنی تنها ۶٪ از کرسی‌های مجلس در انتخابات ۲۰۰۵ عراق را کسب کردند، آنکارا دریافت دوره جدیدی با نقش‌آفرینی قدرتمند کردها در فضای سیاسی عراق شروع شده است. بنابراین در راستای رویکرد استراتژیک نوین سیاست خارجی خود در قبال خاورمیانه خیلی زود پی برد که با تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با کردها می‌تواند چالش‌ها را به فرصت تبدیل نماید (ولیعلی‌زاده الف، ۱۳۹۰: ۱۳) که یکی از این چالش‌ها روی کار آمدن دولتی در راستای سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و مخالف سیاست‌های ترکیه بود. از سال ۲۰۰۸ میلادی نوعی تغییر در رفتار سیاست خارجی ترکیه رخ داد و این کشور روابط کم تنش‌تر و گسترده‌تری را با اقلیم کردستان عراق در پیش گرفت. این رفتارها در بحبوحه انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ عراق بیشتر شد تا جایی که داوود اوغلو طبق اعتراف خود، در منزل خود ائتلاف العراقیه را تشکیل داده تا مانع از پیروزی شیعیان شود اما سرانجام مالکی توانست یکبار دیگر به نخست‌وزیری عراق دست یابد. (یاسین مجید، ۱۳۹۲: <http://peace-ipsc.org>) گرایش دولت بغداد به ایران که می‌توان به آن پیمان استراتژیک اطلاق کرد، دفاع بغداد از بشار اسد، حزب‌الله لبنان و مقاومت از مهم‌ترین عواملی است که باعث گردید ترکیه علیه این کشور ساز مخالف سرداده و با مواضعی که علیه عراق اتخاذ کرده باعث تیرگی روابط دو کشور گردد. در همین راستا نیز، ترکیه سعی بسیار دارد تا به‌منظور تضعیف دولت بغداد، اقلیم کردستان عراق را رو در روی این دولت قرار دهد. (یاسین مجید، ۱۳۹۲: <http://peace-ipsc.org>) کردها در حوزه مسائل داخلی دارای چهار اختلاف عمده با دولت مرکزی می‌باشند؛ عدم واگذاری سهم هفده درصدی بودجه اقلیم

از سوی دولت مرکزی، وضعیت مبهم نیروهای نظامی (پیشمرگه‌های) کردستان عراق، عدم اختصاص بودجه و تسلیحات استراتژیک به آن‌ها و مهم‌ترین اختلاف، عدم اجرایی شدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی است که طبق آن می‌بایست در سال ۲۰۰۷ میلادی با برگزاری همه‌پرسی سرنوشت شهر نفت‌خیز کرکوک مشخص می‌گردید، اما هنوز این کار انجام نشده و کردها مالکی را متهم به مانع‌تراشی در راه اجرای این امر می‌دانند. (پشنگ، ۱۳۹۲: <http://peace-ipsc.org>) بنابراین گسترش روابط دوجانبه آنکارا، اربیل بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های بغداد، امضای توافقات نفتی با اقلیم کردستان، سفر غیرمنتظره و خلاف عرف دیپلماتیک داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه به کرکوک، دعوت بارزانی به آنکارا و حمایت از سنی‌ها در انتخابات، (یاسین مجید، ۱۳۹۲: <http://peace-ipsc.org>) و موضع‌گیری‌های متضاد بارزانی نیز در برابر مالکی در قبال بحران سوریه و عدم تحویل طارق الهاشمی فراری به بغداد و تحویل او به ترکیه و اقدام به احداث یک خط لوله نفتی مستقل از دولت بغداد توسط آنکارا برای اقلیم شاهدهی بر این مدعا است. (پشنگ، ۱۳۹۲: <http://peace-ipsc.org>)

### ۳-۲-۹- تثبیت قدرت منطقه‌ای ترکیه

ترکیه به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت‌های ژئوپلیتیک خود در منطقه و جهان است و با این رویکرد در نظر دارد تا سال ۲۰۲۳ میلادی که صدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه است در خرده سیستم‌های منطقه‌ای به‌عنوان مرکز و در نظام بین‌الملل به‌عنوان بازیگر شناخته شود. به‌ویژه در مناطقی که روزگاری طولانی تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی بود. در رابطه با کردستان عراق باید گفت هرچند این منطقه از نظر تاریخی، هویتی و نژادی دارای پیوندهای ناگسستنی با جمهوری اسلامی ایران است و هرچند در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی دو حزب عمده گرد از متحدین ایران در جنگ علیه رژیم بعث بودند و همچنان روابط نسبتاً دوستانه‌ای با ایران دارند، اما در سال‌های اخیر ترکیه توانسته است جای ایران را چه از منظر سیاسی و چه از منظر اقتصادی تنگ‌تر از پیش کند. ترکیه توانسته است به‌واسطه بارزانی تا حد گسترده‌ای از بی‌ثباتی‌های امنیتی داخلی که ناشی از جنگ با پیشمرگان پ.ک.ک بود، بکاهد و در قبال کردستان عراق نیز بتواند این منطقه را تبدیل به یک حوزه امن برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و نفوذ هرچه بیشتر سیاسی و دیپلماتیک منطقه‌ای خود کند. (پشنگ، ۱۳۹۰: <http://www.asnoor.ir.aspx?code190604>) به‌تبع آن در عراق نیز، ترکیه تلاش کرده است تا

نخست خود را به عنوان حامی سنتی و مقتدر اهل سنت معرفی کند و سپس از این راه بتواند جای پای محکمی را در بین متحدان اهل سنت این کشور به دست آورد و هماهنگی‌ای نیز با کشورهای حاشیه خلیج فارس داشته باشد. بنابراین کردها و سنی‌ها دو بال سیاست ترکیه در عراق شده‌اند. (حق‌پناه، ۱۳۹۱) چراکه از آنجایی که حکومت برآمده از حزب عدالت و توسعه با شناسنامه‌ی اسلام‌گرای محافظه‌کار، از مرز اندیشه‌های کمالیستی و نژادپرستانه فاصله گرفته است، هراسی از همراه شدن با کردها ندارد و بر این باور است که می‌تواند با آنان بزرگ‌تر شود. (دستمالی، ۱۳۹۲: <http://kurdpress.com/Fa/News/?Id=48067>) لذا قرار گرفتن ترکیه در جبهه اعراب در مقابل جبهه مقاومت و مراودات سیاسی و اقتصادی ترک‌ها و اعراب حوزه خلیج فارس علیرغم خصومت دیرینه بین اعراب و ترک‌های عثمانی، نشان از گسترش نفوذ آنکارا در منطقه داشته که یکی از نشانه‌های آن نیز مصون ماندن ترکیه از بحران اقتصادی اخیر اروپا بود که ریشه در توسعه و تقویت مناسبات ترکیه با کشورهای منطقه دارد. (قنبرلو؛ ۱۳۹۲)

### ۳-۲-۱۰- ایجاد اختلاف بین جریانات سیاسی - مذهبی عراق

ترکیه بر این اعتقاد است چنانچه در عراق حکومتی در قدرت باشد که از سنی‌های عراق و گروه‌های سکولار (شیعه یا سنی) تشکیل شده باشند موجب افزایش نفوذ ترکیه در عراق خواهد شد. از این رو ترکیه همواره از گروه‌های سیاسی سنی و سکولار در عراق حمایت کرده است. حمایت ترکیه در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ از ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی که عمده اعضای آن را گروه‌های سنی و یا سکولار (شیعه یا سنی) تشکیل می‌دادند مصداق بارز سیاست ترکیه در حمایت از گروه‌های سنی و سکولار در عراق است. از طرف دیگر حمایت ترکیه از طارق الهاشمی ناشی از این موضوع است که ترکیه خواهان کسب حمایت گروه‌های سنی در عراق است تا از این طریق نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد به خصوص در رقابت با قدرت نرم ایران و نفوذی که ایران در میان گروه‌های شیعه عراق دارد ترکیه را بر آن داشته تا به تعمیق و گسترش روابط خود با گروه‌های سنی عراق اقدام نماید. (بهرامی، ۱۳۹۰: <http://peac-ips.org>). این کشور اینک می‌کوشد با ترمیم و بهبود روابط خود با اربیل، ضمن تأمین ملاحظات کردی خود، با ایجاد پیوند میان کردهای سنی و اعراب سنی در عراق، به مقابله با شیعیان و تغییر معادلات فعلی بپردازد. (ملکی، ۱۳۹۱: [www.irdiplomacy.ir](http://www.irdiplomacy.ir)) از پایان سال ۲۰۱۱ میلادی که نیروهای آمریکایی عراق را ترک کردند، دولت آنکارا تلاش وافر

برای ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در عراق می‌کند. تشدید درگیری‌های شیعه- سنی و ... هم از جمله این انگیزه‌های ترکیه بوده است تا به دنبال بی‌ثباتی هرچه بیشتر دولت مرکزی عراق باشد البته آن‌ها در پیگیری این هدف تنها نبوده‌اند و در کنار خود برخی از کشورهای عرب منطقه را داشته و همچنان دارند. ترک‌ها حتی چندین همایش در خاک خود ترتیب دادند که در آن‌ها با هدف تهییج و تحریک اهل سنت عراق، تبلیغ نمودند که نباید در سرزمین خلفای عباسی، شیعیان به قدرت دست یابند. (یاسین مجید، ۱۳۹۲: <http://peace-ipsc.org>). از سوی دیگر، ترکیه کوشیده است تا با جناح‌هایی از شیعیان نیز ارتباط خود را حفظ کند تا به نوعی آب‌باریکه‌ای را در بین شیعیان برای شرایط ویژه داشته باشد که سفر مقتدی صدر و همکاری با کردها می‌تواند در این راستا تعبیر گردد. (حق‌پناه، ۱۳۹۱: <http://peace-ipsc.org>). بدین ترتیب آنکارا کوشیده است ضمن استفاده از پتانسیل قدرت شیعیان و بهره‌گیری از عناصر سکولار و حتی تندرو آن‌ها در مهار کردهای شمال عراق از الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق و حفظ حقوق ترکمانان عراق نیز بهره جوید. (ولیعقلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۲-۲۷)

#### ۵.۲۶. ۴ - نتیجه‌گیری

کردها بر خلاف گذشته که بیشتر به‌عنوان یک نیروی چالشگر قدرت مرکزی در عراق معروف بودند، اکنون خود به‌عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب می‌شوند. ائتلاف و همکاری کردها با هر یک از دو گروه شیعیان یا سنی‌ها به‌منظور کسب سهم بیشتر چه در مجلس ملی و چه در حکومت مرکزی عراق می‌تواند نقش بسیار مهمی در میزان نفوذ دو کشور جمهوری اسلامی ایران یا ترکیه در عراق داشته باشد.

دولت مردان حزب عدالت و توسعه با نفوذ و کنترل اقلیم در راستای اهداف بلندپروارانه خود، اجرای عملی همان سیاستی را مدنظر قرار داده‌اند که احمد داوود اوغلو در کتاب خود یعنی عمق استراتژیک بیان کرده است. در سیاست مبتنی بر عمق استراتژیک یکی از عناصر مهم دخیل، نظریه سازه‌انگاری است که به نقش مذهب، تاریخ، فرهنگ، جغرافیای مشترک و قدرت نرم در روابط خارجی تأکید می‌کند. داوود اوغلو در کتاب خود به صراحت یک منطقه نفوذ تمدنی برای ترکیه پیشنهاد می‌دهد که به‌عنوان میراث دار امپراتوری عثمانی، خاورمیانه و بخش‌هایی از آسیای مرکزی و قفقاز را در برمی‌گیرد. در سازه‌انگاری، متغیرهای سیستماتیک نظام بین‌الملل و متغیرهای داخلی به‌طور همزمان در رفتار دولت‌ها مؤثرند و دولت‌ها فاقد منافع و اهداف ثابت و غیرقابل تغییر



می‌باشند. بر همین اساس است که آنکارا همواره در سیاست‌هایش نسبت به همسایگان خود چرخش داشته و سیاست ثابتی را ادامه نمی‌دهد.

سیاست نفوذ ترکیه در اقلیم کردستان توانسته است با تأثیر بر سیاست‌ها و تصمیمات سیاسیون و دولت‌مردان کرد و هم‌راستا نمودن این تصمیمات در مواردی همچون کنترل پ.ک.ک، کنترل کردهای ساکن ترکیه و گسترش نفوذ ترکیه به‌عنوان عضوی از ناتو در اقلیم، باعث تقویت و تثبیت قدرت منطقه‌ای ترکیه از نظر سیاسی گردد و با عدم شفافیت و چرخش‌های مداوم در سیاست‌های آنکارا در روابط با ایران و نیز داشتن ویژگی‌هایی همچون غرب‌گرایی در سیاست‌ها، بستر هویتی و ساختارهای سیاسی - ایدئولوژیک متعارض با ایران و بستر ژئوپلیتیکی تنش‌زا و رقابت دائم برای الگو شدن در منطقه و قرار دادن الگوی اسلام لیبرالیستی ترکیه در مقابل مدل اسلام انقلابی ایران و هدف قرار دادن دولت شیعه عراق از طریق نفوذ در اقلیم و ضربه به محور مقاومت که ایران رهبری آن را بر عهده دارد، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه کرده است.

#### ۵- پیشنهادات

تحولات کردی را نباید صرفاً با دید صفر و صد نگریت، بلکه باید به این تحولات، نگاه خاکستری داشت و براساس آن به تحلیل پرداخت. این درست است که در فضای موجود، نگاه ایران به رویکرد ترکیه در اقلیم کردستان خوش‌بینانه نیست ولی باید به واقعیت‌ها و هنجارهای موجود نظام بین‌الملل نیز توجه داشت؛ تن دادن به تحولات اجتناب‌ناپذیر می‌تواند تهدیدات را به فرصت تبدیل نماید. در مسیر تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و چشم‌انداز ۲۰۲۳ میلادی ترکیه، باید اذعان نمود این دو کشور رقبای جدی یکدیگر بوده و بر این اساس کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران باید با توجه به رویکرد عمل‌گرایانه سیاست خارجه ترکیه، تمامی تلاش خود را در جهت ایجاد سازوکارها و ترتیباتی برای کاهش و جلوگیری از تداوم ناخوشایند نتایج این روند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌طور اعم و در اقلیم کردستان به‌طور اخص به‌کارگیرند. در این راستا بر اساس تحقیق حاضر، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱- جمهوری اسلامی ایران در تعامل با ترکیه باید ضمن حفظ تعاملات حداکثری با این کشور؛ از دادن جایگاه فراتر از وزن ترکیه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی خودداری نموده و در پی

مه‌ار اثرگذاری منطقه‌ای ترکیه در چارچوب تعاملات ایران با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد.

۲- پویش روندهای داخلی ترکیه از چارچوب حفظ محوری به سمت رشد و بسط محوری، مهم‌ترین عامل موفقیت ترکیه در عرصه چانه‌زنی در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که این مسئله می‌تواند مدنظر کارگزاران سیاست داخلی و خارجی ایران قرار گیرد.

۳- ضمن شکل‌گیری نگاهی راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اقلیم کردستان، باید بین مراکز بخش‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان هماهنگی ایجاد شود و دستگاه‌های ذی‌ربط با تفکیک حوزه‌های امنیتی از حوزه‌های دیگر زمینه‌ساز حضور گسترده و مؤثرتر جمهوری اسلامی ایران در اقلیم باشند که در این مسیر به‌کارگیری دیپلمات‌های توانمند می‌تواند مفید باشد.

۴- ایران نباید صرفاً روی افراد یا دوستان قدیمی خود در جریان‌های سیاسی تعصب داشته باشد چون همراه با تغییر گرایش‌های مردم جریان‌ات سیاسی نیز مجبور به تغییر راهبردها و اهداف شده و این یعنی اجتناب‌ناپذیر بودن جابجایی نسل قدیم با نسل جدیدی از نخبگان اقلیم در آینده‌ای نزدیک.

۵- جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ یک دیپلماسی فعال در قبال اقلیم کردستان، زمینه لازم جهت همکاری امنیتی میان دو دولت را فراهم کند و بدین ترتیب بخشی از آثار و پیامدهای سیاسی منفی حضور ترکیه در این منطقه را علیه جمهوری اسلامی ایران بکاهد.

۶- از اسلام بدون توجه به گرایش‌های مذهبی به‌عنوان ایدئولوژی حاکم بر ملت‌های منطقه و به‌عنوان پیام وحدت‌آفرین استفاده گردد؛ می‌توان با طرح مسائل دینی و فرهنگی، برجسته کردن اشتراکات و یادآوری حمایت‌های بی‌دریغ ایران از افراد در زمان‌های مختلف، باعث گرایش بیشتر مردم و دولتمردان کرد اقلیم به ایران گردید.

۷- کمک به شکل‌گیری و تقویت دولت مرکزی قدرتمند و درعین‌حال متمایل به ایران در عراق و درعین‌حال ترغیب اقلیم به تحکیم روابط با دولت مرکزی عراق و آگاهی بخشی تبعات دوری از دولت مرکزی و گرایش آنان به سوی آنکارا با تبلیغ بر روی دشمنی دیرینه ترکیه با کردها درکنار تقویت روابط شیعیان و افراد عراق از راه‌های مؤثر تقویت موقعیت ایران در عراق است.

- ۸- با توجه به نگرانی‌های مشترک ایران، سوریه و عراق از حضور ترکیه در اقلیم کردستان عراق، می‌توان به ایجاد سازوکارها و ترتیباتی در جهت تدوین موافقت‌نامه‌های امنیتی با این دو کشور، به‌منظور کاستن از دامنه تهدیدات سیاسی ترکیه، اقدام کرد.
- ۹- ترکیه در فضای جدید سعی دارد از عمق استراتژیک (عمق فرهنگی و تاریخی) در راستای ارتقای قدرت هوشمند خود جهت تعامل با حوزه‌های پیرامونی‌اش استفاده نماید. ایران نیز در مسیر نقش‌آفرینی در رویکردهای منطقه‌ای خود می‌تواند با الگوبرداری از مدل و الگوی ترکیه به سمت ارتقای بیشتر قدرت نرم خود در منطقه حرکت نماید.
- ۱۰- برقراری تعادل در بهره‌گیری از دو عنصر ایدئولوژی و ژئوپلتیک در منطقه و به‌ویژه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اقلیم کردستان عراق و ترکیه.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها:

- السن، رابرت (۱۳۸۰)، مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)؛ کالبدشکافی تهدید. تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- بوزان، باری و ویور، الی و دی ویلد، (۱۳۸۶)؛ چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۸۹)؛ مردم، دولت‌ها و هراس. چاپ دوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تهامی، سید مجتبی (۱۳۸۸)؛ ابعاد اجتماعی و فرهنگی امنیت ملی. تهران: نشر آجا.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)؛ کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: موسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- روشندل، جلیل (۱۳۸۸)؛ امنیت ملی و نظام بین‌الملل. تهران: سمت.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)؛ نظریه‌های امنیت. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۸)؛ مطالب درسی روش‌شناسی امنیتی. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۳). تحولات ترکیه و چالش‌های آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، کتاب امنیت بین‌الملل. تهران: مؤسسه تحقیقات ابرار معاصر.
- مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی (۱۳۸۸)؛ وضعیت دفاعی و امنیتی ترکیه؛ پیش‌بینی پنج ساله صنعت دفاعی، مترجمان: فرزانه میرشاه ولایتی و لیلا امیرخانی. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)؛ نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت. مترجم سید عبدالقوام سجادی، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) شماره ۹.

- نقدی‌نژاد، حسن (۱۳۸۸)؛ روابط ایران و ترکیه؛ حوزه‌های همکاری و رقابت. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- ولیقلی‌زاده، علی (۱۳۹۰)؛ راهبردهایی برای نقش‌آفرینی موفق ایران در رقابت با ترک‌ها در عراق. موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

#### - مقالات:

- افضل‌لی، رسول و حسینی، مجید (۱۳۸۷)؛ بررسی و تحلیل تحولات ژئوپلیتیکی ترکیه و تأثیر آن بر ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره یک.

- ترابی، قاسم (۱۳۹۰)؛ ساختار و توانمندی نظامی کشورها: ترکیه. ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال نهم، شماره ۹۸.

- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴)؛ چشم‌داشت‌های ترکیه به شمال عراق. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۵-۹۶، شهریور ۱۳۷۴.

- چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۹)؛ تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه. مرکز تحقیقات استراتژیک، فصل‌نامه راهبرد، سال ۱۹، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۸۹.

- حافظ‌نیا، محمدرضا و قربانی‌نژاد، ربیاز و احمدی‌پور، زهرا، (۱۳۸۹)، "تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خود مختاری و فدرالیسم"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۴، شماره دوم.

- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ «رویکردهای مقابله با تهدید نرم علیه منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۸.

- حسینی، مطهره و ابراهیمی، طالب و شاه‌قلعه، صفی‌الله (۱۳۹۱)؛ عملکرد خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲-۲۰۱۲). فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۳، شماره ۵۱.

- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۱)؛ نگاه ترکیه به عراق ضعیف. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. گفتگو در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱.

- حیدری، محمد و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶). تحولات ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره دوم.

- زیباکلام، صادق و عبدا... پور، محمدرضا (۱۳۹۰)؛ ژئوپلیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به رژیم صهیونیستی. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰
- صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۸۷)؛ اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق و رویکردهای دولت‌های منطقه نسبت به آن. فصلنامه راهبرد، سال هفدهم، شماره ۴۹.
- فلاح، رحمتا... (۱۳۹۱)؛ تقابل و تعامل ترکیه و ایران در عراق. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۱۱، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۱.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و قدیمی، اکرم (۱۳۹۰)؛ بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی ج. ا. ا. فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۲، بهار ۱۳۹۱.
- قنبرلو، عبدا... (۱۳۹۲)؛ بنیادهای اقتصادی سیاست خارجی ترکیه. فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم.
- کاکایی، سیامک (۱۳۸۷)؛ عراق فدرال، فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال نهم، شماره‌های ۳۳ و ۳۴.
- کرمی، رضا و عزیزاده، محمدجواد (۱۳۹۱)؛ چالش‌های محیط امنیتی ج. ا. ا. از منظر مجموعه‌های امنیتی پیرامونی. فصلنامه امنیت پژوهی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- کاویانی، مراد (۱۳۸۷)؛ تحلیل ژئوپلیتیکی تحولات کردستان عراق. فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم، شماره ۲۰.
- محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین و سلیم‌نژاد، ندیمه (۱۳۸۹)؛ خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول.
- پایان‌نامه:
- محسنی‌زاده، محسن (۱۳۹۱)؛ تشکیل حکومت اقلیم کردی در عراق و تأثیر آن بر مناطق کردنشین ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اطلاعات استراتژیک، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
- گفتگو - گزارش - روزنامه:
- آیتی، علی‌رضا (۱۳۸۵)؛ ژئوپلیتیک شمال عراق و طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا؛ اولین دومینو. همشهری دیپلماتیک، شماره یک.

- بیگدلی، علی‌رضا (۱۳۹۲)؛ روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات عربی. گزارش سخنرانی سفیر ایران در ترکیه در جمع دانشجویان و پژوهشگران مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه. تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک ۲۵ شهریورماه ۱۳۹۲.

- حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۲)؛ بررسی ابعاد سیاسی روابط عراق و ترکیه. نشست تخصصی گروه ترکیه شناسی پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، با حضور آقای یاسین مجید، مشاور مطبوعاتی نخست‌وزیر عراق. تهران: نهم آذرماه.

- چگینی، غلامعلی و حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۶)؛ گفتگوی علمی. پژوهشکده مطالعات راهبردی، اسفند ۱۳۸۶

- علایی، حسین (۱۳۹۱)؛ استراتژی دفاعی نظامی ترکیه، گره خوردن با ناتو و مدرن سازی ارتش. گفتگوی مرکز بین‌المللی مطالعات صلح با دکتر حسین علایی، کارشناس مسائل استراتژیک، ۲۵ دیماه ۱۳۹۱. <http://peace-ipsc.org/fa/category/interview/>

- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۰)؛ استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه: دلایل و پیامدها. پژوهشکده تحقیقات راهبردی. ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰  
<http://www.isrjournals.ir/fa/essay/166-farsi-33html>

- مهری پرگو، وجیهه (۱۳۸۶)؛ گزارش ۸۳۵۴: ترکیه و تحولات عراق با تأکید بر مسئله کردستان. دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- ولیقلی زاده، علی (۱۳۹۰) الف؛ بنیان‌های ژئوپلیتیکی توسعه مناسبات ترکیه با عراق. گزارش راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- یزدان‌پناه، محمد (۱۳۹۱)؛ بعد بین‌المللی بحران کردها در ترکیه. پژوهشکده مطالعات استراتژیک. نوزدهم اسفند ۱۳۹۱.

## Latin

- Lippman, Walter (1943), US Foreign Policy, Shield Of Republic, Boston, Little Brown and Co.
- Adler, Emanuel And Barnett, Michael (1998); “ Studying Security Communication in Theory: comparison and history” In Security communities. Cambridge: Cambridge university Press, 1998.
- Olson, Robert (1996); the Kurdish nationalist movement in the 1990: USA. The University of Kentucky.
- Olson, Robert (2004); turkey and Kurdistan – Iraq. 2003. (The Kurds in Iraq), middle east policy spring 2004. vol.11.no 1.pp.115 – 120

- Smith, S(2001); Reflectivist and Constructivism Approach In International Theory. Columbia: University of South Earolina Press
- Wendt, Alexander (1999); "Anarchy is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics", International Organization, 46, No2.

**رویکرد سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**

